شهادت مامور مرزبانی در آب‌های قشم

درگیری مرزبانان با قاچاقچیان در مرزهای آبی شهرستان قشم به شهادت یک مرزبان منجر شد. به گزارش سایت پلیس، سیدمرتضی اولادعلی، معاون اجتماعی فرماندهی مرزبانی استان هرمزگان در این‌باره گفت: بامداد پنجشنبه نهم بهمن امسال، در راستای مبارزه با قاچاق، گروه گشت دریایی پایگاه دریابانی قشم هنگام گشتزنی در مرزهای آبی قشم با تعداد زیادی شناور حامل کالای ممنوعه و قاچاق که به صورت گروهی درحال حرکت به سمت نوار مرزی بودند، برخورد کردند. وی افزود: مرزبانان با مشاهده قاچاقچیان دستور توقف شناورها را دادند که یک فروند از شناورهای قاچاقچیان به سمت شناور سازمانی حمله‌ور شد که در اثر برخورد شناور قاچاقچیان با شناور سازمانی، یکی از مرزبانان به نام استواریکم «حسن واعظی تختی» به شهادت رسید. شناور مهاجم از محل متواری شد. دو مرزبان دیگر هم مصدوم و در بیمارستان بستری شدند. پیکر این مرزبان شهید دیروز برای خاکسپاری به زادگاهش در گلزار شهدای شهر تخت منتقل شد.

مرگ تلخ ۲ باجناق هنگام نجات کارگر افغان

معصومه ملکی
حوادث

دو باجناق که برای نجات مرد افغان، وارد دیگ روغن کارخانه تولید روغن صنعتی شده بودند گرفتار گازهای سمی شده و به کام مرگ رفتند.

به گزارش خبرنگار جام جم، خبر کوتاه بود اما تلخ. حادثه در شرکتی در کیلومتر ۱۷ جاده اشتهارد در ناحیه صنعتی چرم‌سازی رخ داد. پسر جوان افغان به نام شفیعا... می‌خواست دیگ روغن صنعتی که شش متر ارتفاع داشت را نظافت کند که بخار و گازهای سمی داخل دیگ به سر و صورتش زد. حالش بد شد و نتوانست تعادلش را حفظ کند و به داخل دیگ سقوط کرد. همکار دیگرش خیرا... بهمنی که اهل قروه بود با دیدن این صحنه به کمک او شتافت و وارد دیگ شد و دیگر بازنگشت. بعد یکی از کارگران کارخانه مجاور آمد و امید داشت بتواند آن دو را نجات دهد او هم وارد دیگ شد اما نفسش به شماره افتاد و به سختی خود را به دهانه دیگ رساند. کارگران او را بیرون آوردند. در این گیر و دار بود که محمود هدایتی‌روشن که در بخش تولید کارخانه مجاور بود از راه رسید. وقتی فهمید باجناقش خیرا... و یک نفر از همکاران او در دیگ روغن گرفتار شدند، برای نجات آنها اقدام کرد اما او نیز بازنگشت. قدرت گازهای سمی از آن سه نفر بیشتر بود و آنها را به کام مرگ برد. چند دقیقه بعد با اطلاع ماجرا به آتش‌نشانی، آتش‌نشان‌ها آمدند و اجساد را بیرون آوردند.

به گذشت ۲ هفته از حادثه خانواده‌ها هنوز مرگ آنها را باور ندارند. چشم‌به‌راه مردان نان‌آور خانه‌هایشان هستند. مهدی و علی پنج ساله و برادر نابینای ۱۵ ساله‌شان ابوالفضل و پسران خیرا... بهمنی هنوز مرگ پدر را باور ندارند.

برادر خیرا... بهمنی ۳۹ ساله به جام جم می‌گوید: من، برادر دیگرم و خیرا... در شرکت تولید روغن صنعتی کار می‌کردیم. خواهرزاده‌ام هم چند ماهی بود در شرکت کار می‌کرد. آن روز در خانه بودم که برادر دیگرم و خواهرزاده‌ام ماجرا را به من اطلاع دادند. دعا می‌کردم زنده باشد اما با دیدن جسد او، کارگر افغان و باجناق برادرم متوجه شدم سه نفرشان فوت شدند. از کارگران حاضر شنیدم که شفیعا... در حال تمیز کردن داخل دیگ روغن بوده که بخار و گازهای سمی باعث بدحال شدن او شده است. برادرم برای نجات او و بعد باجناقش برای نجات آنها رفتند که همه براثر گازگرفتگی فوت شدند. برادرم در روستای زادگاه‌مان در قروه و باجناقش هم در زادگاهش در همدان به خاک سپرده شد. همچنین مسعود کریمی، مدیر سازمان آتش‌نشانی بوئین‌زهرا به جام جم گفت: ساعت ۱۶ و ۶ دقیقه، این حادثه به ما گزارش شد. دو گروه امداد و نجات و حریق همراه یگ گروه آتش‌نشان از اشتهارد به آنجا رفتند. ارتفاع دیگ شش‌متر می‌شد و کف آن هنوز روغن مانده بود و گازهای سمی داشت. به خاطر کوچک بودن دهانه دیگ اول کپسول اکسیژن را وارد کردیم و بعد آتش‌نشان‌ها وارد شدند. کارگران بر اثر گازگرفتگی داخل دیگ فوت شدند.

احسان بابایی که مدیرعامل و صاحب شرکت محل حادثه است نیز به جام جم گفت: دیگ روغن برای ریختن روغن‌های صنعتی تولید شده جدید تمیز می‌شد. بعد از برداشتن دیگ باید چند روز صبر می‌شد تا گازهای سمی خارج شود اما کارگر افغان، زمان کوتاهی را برای برداشتن در دیگ انتخاب کرد که باعث شد جان خودش و دو نفر دیگر گرفته شود. بیش از ۵۰ شرکت در ناحیه معروف به چرم‌سازی فعالیت دارند اما این محل پایگاه اورژانس و آتش‌نشانی مستقر ندارد که در صورت بروز حادثه سریع امدادرسانی شود. آتش‌نشان‌ها هنگام اعزام به این مرکز صنعتی باید ۱۲ کیلومتر را از بوئین‌زهرا تا این مکان طی کنند.

سه قربانی حادثه

اعدام داعشی خطرناک

متهم با حمله به پایگاه بسیج دو نفر را به شهادت رساند

دو بسیجی شهید

حکم اعدام یک عضو داعش که دو بسیجی را در شیبان خوزستان به شهادت رسانده بود، در زندان اجرا شد. قاتل در بازجویی‌ها مدعی شد تحت تاثیر آموزش‌های داعش تصور کرده بود کشتن شیعیان واجب است.

شروع ماجرا

ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ مأموران کلانتری شیبان که مقر آنها روبه‌روی پایگاه بسیج بود متوجه صدا شده و از کلانتری خارج می‌شوند. با ورود به پایگاه بسیج مأموران پیکر یک بسیجی را که روی زمین افتاده بود، مشاهده می‌کنند که بر اصابت چاقو در چند نقطه از شکمش مصدوم شده بود. با مراجعه به اتاق فرهنگی پایگاه بسیج فرد دیگری هم که به همان صورت افتاده بود، مشاهده می‌شود که وی از ناحیه سینه، شکم و گردن مورد اصابت چاقو قرار گرفته بود. این فرد شهید حسن بهمنشیر فاقد علائم حیاتی بود. بسیجی بشیر حمیدی هم هنوز علائم حیاتی داشته که بلافاصله به مرکز درمانی منتقل می‌شود اما به‌دلیل شدت جراحت شهید می‌شود.

اعترافات قاتل

پس از این ماجرا تحقیقات برای شناسایی و دستگیری قاتل آغاز شد و یک روز بعد هویت او به نام «علی مطیری» شناسایی و در خانه پدری‌اش دستگیر شد. متهم در بازجویی‌ها به قتل دو بسیجی اعتراف کرد و درباره انگیزه‌اش گفت: به‌خاطر مسائل اعتقادی مرتکب این قتل شدم. شیعیان کافرند و کشتن آنها واجب است. من در جلساتی شرکت می‌کردم که یکی از افرادی که آنجا صحبت می‌کرد می‌گفت شیعیان مشرک و مهدورالدم هستند. از طریق واتس‌اپ با برخی اعضای گروهک تروریستی داعش در خارج از کشور در ارتباط بودم و از منظر دیدگاه آنان شیعیان را افرادی کافر دانسته که باید علیه آنها اقدام کرد و براساس همین اظهارات در شیبان اقدام به تبلیغ و نشر عقاید وهابی می‌کردم.

علی مطیری در مورد این‌که فرمان انجام عملیات در پایگاه بسیج از سوی چه کسی به او اعلام شده بود، اظهار کرد: از فردی به نام «ابودجانه» در سوریه که از طریق تلگرام و واتس‌اپ با او ارتباط داشتم سؤالی در مورد این‌که آیا در سرزمین خودم جهاد کنم یا نه و این‌که آیا این کار صحیح است یا خیر پرسیدم. ابودجانه برایم توضیح داد و تشویقم کرد که این کار به شهید شدن تو و وارد بهشت شدنت کمک می‌کند. به من می‌گفت در سرزمین خودتان شیعه را بکشید پس آنگاه است که شهید می‌شوید.

این تروریست در اعترافات خود در پاسخ به این سؤال که چرا بهمنشیر و حمیدی را هدف حمله خود قرار داده‌ای و این‌که آیا آنها را می‌شناختی یا نه، گفت: من با شهید بهمنشیر و حمیدی مشکلی نداشتم و در زمان انجام عملیات از ابودجانه اجازه گرفتم. در زمان حمله فرد خاصی در ذهنم نبود. آنها را از قبل نمی‌شناختم فقط در شهر و ساختمان بسیج می‌دیدم‌شان و حتی اسم آنها را هم نمی‌دانستم. دلیل حمله‌ام به این دو نفر نیز آن بود که دیدم جلوی در اتاق فرهنگی یک کفش و یک دمپایی است از این طریق متوجه شدم دو نفر آنجا حضور دارند. وارد اتاق شدم و با چاقو هر دو نفر را زدم. با آموزش‌هایی که از طریق تلگرام و واتس‌اپ از داعش دیده بودم، عملیات را انجام دادم. یکی از آنها را روی سینه خوابانده و برای بریدن سرش تلاش کردم اما سرش جدا نشد.

اتهام؛ دو فقره قتل عمد محاربه و افساد فی‌الارض

با تکمیل تحقیقات در شعبه اول دادسرای شهرستان باوی، در تاریخ ۱۵ مهر ۹۷ کیفرخواست متهم صادر شد. در کیفرخواست علی مطیری متهم به دو فقره قتل عمد و محاربه و مفسد فی‌الارض به‌خاطر عضویت در گروهک تروریستی داعش شده بود.

دادگاه کیفری یک استان اهواز پس از برگزاری جلسات رسیدگی متعدد در نهایت در تاریخ ۱۷ بهمن ۹۷ حکم علی مطیری را به قصاص و به اعدام با چوبه دار محکوم کرد.

اولیای‌دم حسن بهمنشیر و بشیر حمیدی در چند نوبت با حضور در مرجع قضایی عنوان کردند خواستار دیه نیستیم و فقط تقاضای اجرای حکم علی مطیری را داریم.

در ادامه وکیل علی مطیری نسبت به حکم صادر شده تقاضای فرجام خواهی کرد و پرونده به شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور ارجاع شد. قضات پس از بررسی محتویات پرونده در تاریخ ۲۳ تیر ۹۸ حکم صادره در مورد علی مطیری تایید و ابرام کردند. این حکم روز پنجشنبه نهم بهمن در زندان اجرا شد.

ادعای جدید متهم به قتل در جلسه محاکمه

رفیق‌کشی در کمپ تفریحی

پسر جوان که متهم است دوستش را در یک کمپ تفریحی به قتل رسانده، در جلسه دادگاه ادعای جدیدی را مطرح کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، یکم آبان سال ۹۷ ماموران پلیس فیروزکوه در جریان درگیری دوپسر جوان در یک کمپ تفریحی قرار گرفته و بعد از حضور در محل با جسد پسر جوانی روبه‌رو شدند که به نظر می‌رسید بر اثر اصابت جسم سخت به سرش جان باخته است.

جست‌وجو در اطراف محل قتل آغاز شد و چند دقیقه بعد پسر جوانی در حالی که کیسه‌ای مشکی در دست داشت شناسایی شد. او همچنین سنگی همراه داشت که روی آن آثار خون و مو وجود داشت. پسر جوان به پلیس آگاهی منتقل شد و به قتل اعتراف کرد و گفت: من و سیامک با هم دوست بودیم و برای تفریح به فیروزکوه آمده و اینجا چادر زدیم. قرار بود چند روزی اینجا بمانیم اما اختلافی بین ما پیش آمد و با هم درگیر شدیم. او با چاقو به سمت من حمله کرد که من سنگی برداشتم و به سرش چند ضربه زدم که باعث مرگش شد. بعد هم فرار کردم که ماموران شناسایی‌ام کرده و بازداشت شدم.

در گزارش پزشکی قانونی هم اصابت جسم سخت به سر مقتول علت مرگ او اعلام شد. با تکمیل تحقیقات مقدماتی در دادسرا برای فرهاد به اتهام قتل دوستش کیفرخواست صادر شد و پرونده برای محاکمه به دادگاه کیفری استان تهران فرستاد شد. مادر مقتول در این جلسه برای قاتل پسرش درخواست قصاص کرد و گفت: فرهاد حرف‌های دروغ بسیاری زده و حاضر به بخشش او نیستم.

فرهاد وقتی در جایگاه قرار گرفت ادعای جدیدی را مطرح کرد و منکر قتل دوستش شد. او در دفاعیاتش گفت: من و سیامک با هم دوست بودیم و هیچ مشکلی با هم نداشتیم. آن روز برای خوشگذرانی کمپ زدیم که مرد نقابداری به ما حمله کرد. او می‌گفت این منطقه متعلق به اوست و نباید وارد آنجا می‌شدیم. او با ما درگیر شد و مرا کتک زد. بر اثر شدت کتک‌ها بیهوش شدم. زمانی که به هوش آمدم، سیامک مرده بود. مرد نقابدار وقتی فهمید زنده هستم به تعقیبم پرداخت که فرار کردم. ماموران پلیس به من مشکوک شده و دستگیر شدم.

رئیس دادگاه: چرا سنگ خونین همراه داشتی؟

متهم به قتل: در کیسه مشکی وسایل من و سیامک بود و نمی‌دانم سنگ خونین چرا صورتجلسه شده است.

رئیس دادگاه: اما در تحقیقات اولیه به قتل اعتراف کردی؟

متهم به قتل: آن روز ترسیده بودم و تحت فشار روانی به قتل اعتراف کردم. من و سیامک هیچ درگیری نداشتیم و درخواست دارم تبرئه شوم.

پس از دفاعیات متهم و وکیل مدافعش قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

واکسن دزدی یک پزشک

میثم مزینانی
حوادث

این روزها تمام فکر و ذکر مقامات بهداشتی، واکسیناسیون گروه‌های حساس و طبقه‌بندی‌شده مقابل ویروس کروناست. خبری تلخ و شوکه‌آور در رسانه‌های آمریکا اعلام شد که متهم ردیف اول آن یکی از پزشکان بود. جاشوا کولون سال گذشته به‌عنوان بهیار نمونه منطقه پُلک‌کانتی در ایالت فلوریدا انتخاب شد اما حالا باخبری که رسانه‌ها منتشر کرده‌اند دیگرکسی جاشوا را با این عنوان به یاد نمی‌آورد.

براساس گزارش شبکه ۸ اخبار فلوریدا، این پزشک ۳۱ ساله متهم است که بعد از کمک به دزدی سه دُوز از واکسن مدرنا، فرم‌های مخصوص به واکسیناسیون را نیز جعل کرده است. وقتی جاشوا تحت بازجویی نیروهای پلیس قرار گرفت، اعلام کرد سرپرستش به او دستور داده بود چنین اقدامی را انجام دهد. در همین ارتباط مقامات پلیس می‌گویند آنتونی دامیانو به‌عنوان رئیس مرکز بهداشت منطقه پلک‌کانتی هم متهم شناخته‌شده است.

ماجرا ازآنجا شروع می‌شود که مرکز درمانی این منطقه مسؤولیت واکسیناسیون گروه‌های حساس و پرخطر را در آنجا به عهده می‌گیرد. در این میان، جاشوا نیز مسؤولیت نظارت بر روند واکسیناسیون را به‌عهده می‌گیرد. چند روز بعد از او خواسته می‌شود تعداد کل واکسن‌های رسیده به این مرکز را گزارش کند اما در ادامه مسؤولان متوجه می‌شوند در گزارش‌های ارسالی چند مورد تناقض وجود دارد. وقتی هم از جاشوا در مورد این تناقض سؤال پرسیده می‌شود، او فرم‌های دستکاری‌شده و جعلی را در اختیار مسؤولان قرار می‌دهد. در دو مورد از فرم‌ها اسامی جعلی و غیرواقعی نوشته‌شده بود و دریکی هم نام آتش‌نشانی آمده بود که واکسن را دریافت نکرده بود.

جاشوا در ادامه اعتراف کرد دامیانو از او خواسته چند دوز واکسن برای مادرش بیاورد، وقتی او این کار را انجام نمی‌دهد، با تهدید از سوی سرپرستش روبه‌رو می‌شود. با جست‌وجوی نیروهای پلیس، دو دوز از واکسن‌های سرقتی در پارکینگ خانه یکی از دوستان دامیانو پیدا می‌شود. بنا به گفته نیروهای پلیس، این پزشکان هر دو اکنون در بازداشت هستند.

۴ شکایت سیاه در پرونده دزدان مسافربرنما

چهار زن و دختر که دردام شیطانی سه جوان مسافربرنما گرفتارشده بودند با حضور در دادسرای جنایی تهران از آنها شکایت کردند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اعضای این باند، سه پسر جوان بودند که از شهریور امسال به‌عنوان مسافر سوار خودروهای عبوری می‌شدند و بعد از ربودن وزخمی کردن رانندگان، آنها را از خودروهای پژو، سمند وپرایدشان بیرون انداخته و خودروی‌شان را سرقت می‌کردند. اعضای این باند در روزهای بعد با خودروهای سرقتی، زنان و دختران را در محله‌های مختلف تهران سوار کرده و با زور و تهدید اموال‌شان را سرقت می‌کردند و برخی مال باختگان را تا حدمرگ کتک می‌زدند. حتی زنی میانسال را درشهرک غرب ربوده وطلاهایش را دزدیده و از خودروی درحال حرکت بیرون انداختند که اوپس از انتقال به بیمارستان به دلیل شوک ناشی از این اتفاق سکته قلبی کرد وفوت شد.

دو متهم دراین پرونده بازداشت شدند که در بازجویی‌ها به سرقت خودروی رانندگان و همدستی در سرقت اموال ۱۶ زن و دختر اعتراف کردند.

تحقیقات ادامه داشت تا این‌که چند روز پیش با حضور چهارزن و دختر جوان به پلیس تهران، ابعاد جدیدی از جرایم متهمان فاش شد.

یکی از زنان قربانی در تحقیقات گفت: آن شب تازه از محل کارم بیرون آمده بودم که برای رسیدن به خانه سوار خودروی عبوری شدم. دو مرد سوار خودرو بودند، راننده بعد از طی مسافتی تغییر مسیر داد. خواستم خودم را از خودرو به بیرون پرت کنم که با چاقو تهدیدم کرد. آنها مرا مورد آزار و اذیت قراردادند.

در ادامه سه زن دیگر هم ادعای مشابهی را مطرح کردند.

بازپرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران باتایید این خبر به جام جم گفت: متهمان در بازداشت به سر می‌برند، سرکرده فراری این باند هنوز تحت تعقیب پلیس است. پرونده تجاوز متهمان نیز به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال خواهد شد.

تلنگر

فوت دومین مصدوم آتش‌سوزی در کانکس معلمان

با فوت امین الیاسی ، نوجوانی که در اثر آتش‌سوزی کانکس مدرسه‌ای روستای کنگرستان دزفول، دچار سوختگی شده بود تعداد قربانیان این حادثه به دو نفر رسید. هفتم بهمن ماه نیز نوجوان ۱۵ ساله دیگری به‌نام نیما همتی چالگرد در اثر سوختگی در همین کانکس جانش را از دست داد. بر اساس اخبار اعلامی، یک نفر از مصدومان نیز حال وخیمی دارد که حالا همراه دو معلم دیگر در بیمارستان سوانح و سوختگی بیمارستان طالقانی اهواز بستری است.

با مرگ این دو نوجوان که به گفته محمد حسین کفراشی، مدیرکل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات وزارت آموزش‌وپرورش دو نفرشان در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ و یک نفر امسال ترک تحصیل کرده بودند، هنوز برخی ابهامات در مورد این حادثه همچنان به قوت خود باقی است و پاسخ مشخصی برای آن وجود ندارد. در حالی‌که معلمان و اهالی روستا می‌گویند هر سه نوجوان همراه با سه معلم دیگر داخل کانکس بودند و دچار سوختگی شدند، آموزش و پرورش همچنان مدعی است که سه نوجوان برای کمک به معلمان به محل حادثه رفته بودند. اگر فرض بر این باشد که آنها برای کمک به معلمان برای کمک به محل سانحه رفته بودند که در این صورت قهرمان هستند و باید از آنان تقدیر کرد.

به گفته عبدالرسول عمادی، نماینده ویژه وزیر آموزش و پرورش، هر سه معلم از اولین روز وقوع حادثه، تحت مراقبت و حمایت آموزش و پرورش بودند و تمام هزینه‌های درمانی آنها تامین شده است. حتی قرار است جراحی‌های ضروری برای ترمیم پوست معلمان انجام شود. این در حالی است که این نماینده آموزش و پرورش تنها به ابراز تاسف در مورد نوجوانان فوت شده در حادثه کانکسی بسنده کرده است.

دستگیری «پوآرو» در کرمانشاه

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری کرمانشاه از دستگیری دلال بزرگ خریدوفروش اشیای عتیقه بانام مستعار پوآرو در کرمانشاه خبر داد.

امید قادری به ایسنا گفت: این فرد از تابستان امسال با همکاری چند نفر دیگر در تعدادی از استان‌های کشور به‌صورت گسترده و کلان در فضای مجازی اقدام به دلالی و خریدوفروش اشیای عتیقه و آموزش گنج‌یابی و حفاری غیرمجاز می‌کرد.

پس از این‌که همدستان این فرد دریکی از استان‌ها دستگیر شدند در ماه‌های اخیر فعالیت‌های خود را دریکی از شهرستان‌های کرمانشاه دوباره به‌صورت مجازی آغاز کرد و با آموزش نحوه حفاری غیرمجاز، اقدام به فروش دستگاه‌های گنج‌یاب می‌کرد.

وی افزود: با رصد فعالیت‌های این فرد بانام مستعار پوآور، توسط یگان حفاظت میراث فرهنگی استان، محل اختفایش مشخص شد و با همکاری سربازان گمنام امام زمان(عج) در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر شد. متهم پس از دستگیری تحویل مقامات قضایی شد و اکنون در بازداشت به سر می‌برد. این فرد با تبلیغات غیرقانونی، افرادی را که به‌دنبال گنج بودند دور خود جمع کرده بود. مستندات بسیار زیادی درخصوص فعالیت‌های غیرقانونی این فرد جمع کرده و تحویل مقامات قضایی داده‌ایم و باتوجه به این‌که در چند استان دیگرهم فعالیت داشته، مستندات آنها هم ارائه خواهد شد.

قتل پایان دعوای زن و شوهری

دعوای زن‌وشوهری در روستای سقانلیق ساوه منجر به مرگ زن جوان شد. به گزارش جام جم شامگاه نهم بهمن امسال وقوع یک مورد ضرب‌وجرح خانوادگی در روستای سقانلیق شهرستان ساوه به پلیس گزارش شد. زمانی که مأموران و نیروهای امدادی در روستا حاضر شدند، پی بردند درگیری و نزاع بین زن و شوهر افغان بوده که باعث شده زن ۳۵ ساله به علت اصابت میله فلزی بر سرش که توسط همسرش صورت گرفته بود، فوت کند و به قتل برسد. تحقیقات پلیسی دراین باره ادامه دارد.